# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc426420956)

[آثار و فواید یاد خدا، نماز و دعا 2](#_Toc426420957)

[ارتباط نماز و نهی از فحشاء و منکرات 3](#_Toc426420958)

[احتمالات معنی نماز (صلاة) در آیه 45 سوره عنکبوت 4](#_Toc426420959)

[احتمال اول: 4](#_Toc426420960)

[احتمال دوم: 5](#_Toc426420961)

[احتمال سوم: 5](#_Toc426420962)

[احتمال چهارم: 5](#_Toc426420963)

[احتمال پنجم: 6](#_Toc426420964)

[خلاصه مطلب 7](#_Toc426420965)

[خطبه دوم 8](#_Toc426420966)

[فرازهایی از خطبه 157 نهج‌البلاغه 8](#_Toc426420967)

[آثار و برکات ماه رجب 10](#_Toc426420968)

[رعایت نظم و قوانین راهنمایی و رانندگی 11](#_Toc426420969)

[دعا 12](#_Toc426420971)

# خطبه اول

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا[[1]](#footnote-1) ثمّ الصلاة والسلام علی سیدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّ علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) و صلّ علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهراء (س) و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرّحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه تجهّزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فأنّ خیر الزاد التقوی.**

# آثار و فواید یاد خدا، نماز و دعا

نماز مهم‌ترین عامل، اعتقاد به خداوند و روز قیامت است. اقامه نماز در طول شبانه‌روز این عامل را در ما تقویت کرده و همیشه ما را به یاد مبدأ و معاد می‌اندازد و این یادآوری ما را از ارتکاب گناه بازمی‌دارد. افزون بر آن، نماز شرایطی ازجمله طهارت، غصب نکردن و... دارد مراعات همه این امور در آلوده نشدن به گناهان اثر مهمی دارد.

**خداوند در قرآن می‌فرماید: «اتل مَا أُوحِی إِلَیک مِنَ الْکتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْکرِ وَلَذِکرُ اللَّهِ أَکبَرُ وَاللَّهُ یعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»[[3]](#footnote-3)** آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی‌شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خداوند می‌داند شما چه‌کارهایی انجام می‌دهید!

در این آیه خداوند به پیامبرش (ص) دستور می‌دهد تا آنچه به ایشان وحی‌شده (قرآن) را تلاوت نماید؛ چراکه تلاوت قرآن بهترین چیزی است که انسان را از شرک و ارتکاب فحشاء و منکرات بازمی‌دارد؛ به دلیل آن‌که در قرآن آیات روشنی است که دربردارنده حجت‌هایی نورانی است که حق را آن‌طور که باید روشن می‌سازد. همچنین مشتمل بر داستان‌های عبرت‌آموز، مواعظ و بشارت‌ها، انذار، وعده و وعیدها است که شنونده و خواننده را از گناهان بازمی‌دارد. خدای متعال پس از امر به تلاوت قرآن، پیامبرش را امر به نماز می‌کند که بهترین اعمال است؛ چراکه نماز بازدارنده از فحشاء و منکر است. سیاق آیه شاهد بر این است که: مراد از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشاء و منکر است؛ یعنی طبیعت نماز آن‌گونه است که انسان را از گناه بازمی‌دارد. البته بازداری آن به نحو «اقتضاء» است، نه «علیت تامه» که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند.

# ارتباط نماز و نهی از فحشاء و منکرات

نمازی که بنده خدا، آن را در هرروز پنج بار به‌جا بیاورد، و همه عمر ادامه دهد، به‌ ویژه اگر آن را همه‌روزه در جامعه‌ای صالح به‌جا آورد، و افراد آن جامعه نیز مانند او همه‌روزه به‌جا بیاورند، و مانند او نسبت به آن اهتمام ورزند، طبعاً چنین محیطی با ارتکاب گناهان کبیره سازش ندارد. آری توجه به خدا از در بندگی، آن‌هم در چنین محیط و از چنین افراد، طبیعتاً باید انسان را از هر گناه کبیره و هر عملی که دین آن را زشت می‌داند؛ مانند: قتل نفس، خوردن مال ایتام، غیبت و تهمت، زنا و لواط و ... بازبدارد؛ به دلیل این‌که نماز، ذکر خدا است، و این ذکر، اولاً: ایمان به وحدانیت خدای تعالی، و رسالت و جزای روز قیامت را به نمازگزار تلقین می‌کند، و به او می‌گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار داده و از او استعانت به‌نما، و درخواست کن که تو را به‌سوی صراط مستقیم هدایت نموده، و از گمراهی و غضبش به او پناه ببر.

ثانیاً: او را وامی‌دارد به این‌که باروح و بدن خود متوجه ساحت عظمت و کبریایی خدا شده، پروردگار خود را با حمد و ثنا و تسبیح و تکبیر یاد آورد، و در آخر بر خود و هم‌مسلکان خود و بر همه بندگان صالح سلام فرستد.

علاوه بر این، او را وادار می‌کند به این‌که از حدث که نوعی آلودگی به لوازم دنیوی است، و از خبث یعنی آلودگی بدن و جامه، خود را پاک کند، همچنین از این‌که لباس و مکان نمازش غصبی باشد، بپرهیزد، و رو به‌سوی خانه پروردگارش بایستد.  
پس اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در مدت کوتاه به‌طور مسلم باعث می‌شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود، به‌طوری‌که اگر فرضاً آدمی شخصی را بر خود بگمارد که دائماً ناظر بر احوالش باشد، و او را آن‌چنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زیور ادب عبودیت آراسته گردد، قطعاً تربیت او مؤثرتر از تربیت نماز نیست، و به بیش ازآنچه نماز او را دستور می‌دهد دستور نخواهد داد، و به بیش از آن مقدار که نماز به ریاضتش وامی‌دارد، وادار نخواهد کرد.

امام صادق (ع) درباره نماز تمام و کامل می‌فرماید: نماز چهار هزار حدّ و حکم دارد که تو از همه آن‌ها مورد بازخواست قرار نمی‌گیری. راوی از حضرتش پرسید: تنها حدود و احکامی را که ترک کردن آن جایز نیست و نماز جز به آن کامل نمی‌گردد، بفرمایید. امام (ع) فرمود: نماز کسی تمام و کامل است که طهارت کامل، و اهتمام ویژه داشته، بدون فتنه‌انگیزی و فساد، و به‌دوراز شک و تردید باشد، نسبت به خدا شناخت و معرفت داشته و در پیشگاه او خاضعانه و خاشعانه بایستد، آنگاه میان حالت نومیدی و آزمندی، و شکیبایی و بی‌تابی بایستد، به‌گونه‌ای که گویی نوید پروردگار تنها متوجّه او، و وعده عذاب تنها برای او است، و دارایی خویش را درراه خدا بذل نموده و تمام اهداف خود را خیال انگاشته، و نفس خود و هر چیز ارجمند در نزد خویش را درراه خشنودی خداوند بذل نموده، بدون این‌که انتظار چیزی را بکشد، پیش به‌سوی او، راه راست را طی نماید، و وابستگی‌های اهتمام به غیر او را با چشم توجّه به خداوندی که قصد سیر به‌سوی او را نموده و می‌خواهد به درگاه او واردشده، قطع نماید، و از او اجازه ورود بگیرد. هرگاه کسی این‌چنین عمل کند، نمازش همان نمازی خواهد بود که به خواندن آن امر، و درباره آن گفته‌شده است: «به‌راستی نماز انسان را از کردار و گفتار زشت و ناپسند بازمی‌دارد»

# احتمالات معنی نماز (صلاة) در آیه 45 سوره عنکبوت

# احتمال اول:

کلمه «صلاة» در آیه شریفه در معنای نکره است، و معنای آیه این است که یک قسم از نمازها باعث می‌شود که نمازگزار از فحشاء و منکرات اجتناب ورزد، و درست هم هست، پس مراد همه نمازها نیست، تا آن اشکال وارد شود.

# احتمال دوم:

بعضی دیگر با استناد به روایتی از امام صادق (ع) می‌گویند: نماز تا زمانی که نمازگزار مشغول آن است، این اثر را دارد؛ یعنی شخص نمازگزار تا وقتی‌که مشغول نماز است، کارهای زشت نمی‌کند؛ چون همین اشتغال به نماز او را از کارهای دیگر بازمی‌دارد.

# احتمال سوم:

بعضی دیگر گفته‌اند؛ آیه به همان ظاهرش معنایی دارد که آن اشکال متوجهش نمی‌شود، و آن این است که نماز مانند یک انسانی که دیگری را از فحشاء و منکرات نهی می‌کند، به شخص نمازگزار می‌گوید: زنا مکن، ربا مخور، دروغ مگو، و ... اما همان‌طور که در آن انسان، لازمه نهی این نیست که شنونده گوش هم بدهد، و از گفته او از منکر دوری کند، در نماز نیز چنین است؛ یعنی نماز مرتب به نمازگزار می‌گوید که چنین و چنان مکن، اما لازمه این نهی این نیست که نمازگزار هم از نهی‌اش اطاعت کند، و از آن کارها دست بردارد. مگر نهی نماز از نهی خدا مهم‌تر و مؤثرتر است؟! خدای تعالی در آیه شریفه: «**إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ**»**[[4]](#footnote-4)**

به عدل، احسان و صله‌رحم امر می‌کند، و از فحشاء و منکر نهی می‌فرماید، بااین‌حال مردم همچنان نافرمانی‌اش می‌کنند، و نهی او باعث بازداری مردم نمی‌شود. نهی نماز هم مثل آن است. پس اشکالی که بر آیه شده، ناشی از این توهم است که نهی همواره مستلزم بازداری است، و این تصور باطلی است.

# احتمال چهارم:

از برخی مفسران در معنی «صلاة» نقل‌شده است که نماز را برای این می‌خوانند که به یاد خدا بیفتند، همچنان که خود خدای تعالی هم فرمود: «**أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْرِی**[[5]](#footnote-5)»؛ نماز را برای یاد من به پادار، و کسی که به یاد خدا باشد، مسلماً از اعمالی که خوشایند خدا نیست پرهیز می‌کند، و آن اشخاصی که در اشکال موردنظرند، اشخاصی هستند که اگر نماز نخوانند گناه بیشتر می‌کنند، و نماز در آن‌ها این مقدار اثر گذاشته که منکرات را کمتر مرتکب شوند.

# احتمال پنجم:

علامه طباطبائی (ره) در جواب از اشکال مطرح‌شده می‌گوید؛ آنچه از سیاق آیه برمی‌آید؛ این است که اگر دستور داده‌اند که مردم نماز بخوانند، برای این است که نماز آنان را از فسق و فجور بازمی‌دارد، و این تعلیل می‌فهماند که نماز عملی است عبودی که به‌جا آوردنش صفتی در روح آدمی پدید می‌آورد که آن صفت -به‌اصطلاح معروف- پلیسی غیبی است، و صاحبش را از فحشاء و منکرات بازمی‌دارد، و درنتیجه جان‌ودلش را گناهان و آلودگی‌هایی که از اعمال زشت پیدا می‌شود، پاک می‌نماید.  
پس معلوم می‌شود مقصود از نماز رسیدن به آن صفت است؛ یعنی صفت بازداری از گناه. پیدایش این صفت اثر طبیعی نماز است، اما به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت. به‌عبارت‌دیگر، بازداری از گناه اثر طبیعی نماز است؛ چون نماز توجه خاصی است از بنده به‌سوی خدای سبحان، اما این اثر تنها به مقدار اقتضاء است، نه علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند. نه این‌گونه نیست، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است؛ یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد نماز اثر خود را می‌بخشد، و نمازگزار را از فحشاء بازمی‌دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند، درنتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می‌کند.

البته باید توجه داشت که نماز دارای مراتب است؛ بنابراین اثری که به‌صورت اقتضاء بر آن مترتب می‌شود نیز دارای مراتب است؛ یعنی نماز و جلوگیری از گناه، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت نمازگزار در نماز خود بیشتر به یاد خدا بود، نمازگزار کمتر گناه می‌کند، و هر جا یاد خدا در نماز ضعیف شود، و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف گردد، دچار گناه می‌شود.

پس معلوم می‌شود مقصود از نماز رسیدن به آن صفت است؛ یعنی صفت بازداری از گناه. پیدایش این صفت اثر طبیعی نماز است، اما به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت. به‌عبارت‌دیگر، بازداری از گناه اثر طبیعی نماز است؛ چون نماز توجه خاصی است از بنده به‌سوی خدای سبحان، اما این اثر تنها به مقدار اقتضاء است، نه علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند. نه این‌گونه نیست، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است؛ یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد نماز اثر خود را می‌بخشد، و نمازگزار را از فحشاء بازمی‌دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند، درنتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند، انجام می‌دهد.

اگر کسی خواست معنای نماز را لمس کند، باید حال بعضی از افراد که نام مسلمان دارند، و درعین‌حال نماز نمی‌خوانند را، در نظر بگیرد، که اگر رفتار آن‌ها را زیر نظر قرار دهد، می‌بیند که به دلیل نخواندن نماز، روزه را هم می‌خورد، و حج هم نمی‌رود و زکات هم نمی‌دهد، و بالأخره سایر واجبات را هم ترک می‌کند، و هیچ فرقی بین پاک و نجس، و حلال و حرام نمی‌گذارد. و هیچ‌چیزی را (نه ظلم، نه زنا، نه ربا، نه دروغ، و نه هیچ‌چیز دیگر) مانع پیشرفت خود نمی‌بیند. آن‌وقت اگر حال چنین شخصی را باحال کسی مقایسه کنی که نماز می‌خواند، و در نمازش به حداقل آن، یعنی آن مقداری که تکلیف از گردنش ساقط شود اکتفا می‌کند، خواهی دید که او از بسیاری از کارها که بی‌نماز از آن پروا نداشت پروا دارد، و اگر حال این نمازگزار را باحال کسی مقایسه کنی که در نمازش اهتمام بیشتری دارد، خواهی دید که دومی از گناهان بیشتری پروا دارد، و به همین قیاس هر چه نماز کامل‌تر باشد، خودداری از فحشاء و منکرات بیشتر خواهد بود.

# خلاصه مطلب

هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است، نهی از فحشاء و منکر می‌کند، گاه نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود دارد. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ‌گونه اثری در او نبخشد هرچند نمازش صوری باشد، هرچند آلوده گناه باشد، البته این‌گونه نماز تأثیرش کم است. این‌گونه افراد اگر همان نماز را نمی‌خواندند شاید از این هم آلوده‌تر بودند. به‌هرحال نهی از فحشاء و منکر سلسله‌مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط، دارای بعضی از این درجات است.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[6]](#footnote-6)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد رب العالمین باری الخلائق اجمعین ثمّ الصلاة والسلام علی سیدنا و نبیّنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الأطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّ علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّی علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد والحسن بن علی و خلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرّحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ[[7]](#footnote-7)**

# فرازهایی از خطبه 157 نهج‌البلاغه

**اِعْلَمُوا عِبَادَ اَللَّهِ أَنَّ اَلتَّقْوَی دَارُ حِصْنٍ عَزِیزٍ وَ اَلْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِیلٍ لاَ یمْنَعُ أَهْلَهُ وَ لاَ یحْرِزُ مَنْ لَجَأَ إِلَیهِ أَلاَ وَ بِالتَّقْوَی تُقْطَعُ حُمَةُ اَلْخَطَایا وَ بِالْیقِینِ تُدْرَک اَلْغَایةُ اَلْقُصْوَی عِبَادَ اَللَّهِ اَللَّهَ اَللَّهَ فِی أَعَزِّ اَلْأَنْفُسِ عَلَیکمْ وَ أَحَبِّهَا إِلَیکمْ فَإِنَّ اَللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَکمْ سَبِیلَ اَلْحَقِّ وَ أَنَارَ طُرُقَهُ فَشِقْوَةٌ لاَزِمَةٌ أَوْ سَعَادَةٌ دَائِمَةٌ فَتَزَوَّدُوا فِی أَیامِ اَلْفَنَاءِ لِأَیامِ اَلْبَقَاءِ قَدْ دُلِلْتُمْ عَلَی اَلزَّادِ وَ أُمِرْتُمْ بِالظَّعْنِ وَ حُثِثْتُمْ عَلَی اَلْمَسِیرِ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ کرَکبٍ وُقُوفٍ لاَ یدْرُونَ مَتَی یؤْمَرُونَ بِالسَّیرِ أَلاَ فَمَا یصْنَعُ بِالدُّنْیا مَنْ خُلِقَ لِلْآخِرَةِ وَ مَا یصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِیلٍ یسْلَبُهُ وَ تَبْقَی عَلَیهِ تَبِعَتُهُ وَ حِسَابُهُ عِبَادَ اَللَّهِ إِنَّهُ لَیسَ لِمَا وَعَدَ اَللَّهُ مِنَ اَلْخَیرِ مَتْرَک وَ لاَ فِیمَا نَهَی عَنْهُ مِنَ اَلشَّرِّ مَرْغَبٌ عِبَادَ اَللَّهِ اِحْذَرُوا یوْماً تُفْحَصُ فِیهِ اَلْأَعْمَالُ وَ یکثُرُ فِیهِ اَلزِّلْزَالُ وَ تَشِیبُ فِیهِ اَلْأَطْفَالُ اِعْلَمُوا عِبَادَ اَللَّهِ أَنَّ عَلَیکمْ رَصَداً مِنْ أَنْفُسِکمْ وَ عُیوناً مِنْ جَوَارِحِکمْ وَ حُفَّاظَ صِدْقٍ یحْفَظُونَ أَعْمَالَکمْ وَ عَدَدَ أَنْفَاسِکمْ لاَ تَسْتُرُکمْ مِنْهُمْ ظُلْمَةُ لَیلٍ دَاجٍ وَ لاَ یکنُّکمْ مِنْهُمْ بَابٌ ذُو رِتَاجٍ وَ إِنَّ غَداً مِنَ اَلْیوْمِ قَرِیبٌ یذْهَبُ اَلْیوْمُ بِمَا فِیهِ وَ یجِی‌ءُ اَلْغَدُ لاَحِقاً بِهِ فَکأَنَّ کلَّ اِمْرِئٍ مِنْکمْ قَدْ بَلَغَ مِنَ اَلْأَرْضِ مَنْزِلَ وَحْدَتِهِ وَ مَخَطَّ حُفْرَتِهِ فَیا لَهُ مِنْ بَیتِ وَحْدَةٍ وَ مَنْزِلِ وَحْشَةٍ وَ مُفْرَدِ غُرْبَةٍ وَ کأَنَّ اَلصَّیحَةَ قَدْ أَتَتْکمْ وَ اَلسَّاعَةَ قَدْ غَشِیتْکمْ وَ بَرَزْتُمْ لِفَصْلِ اَلْقَضَاءِ قَدْ زَاحَتْ عَنْکمُ اَلْأَبَاطِیلُ وَ اِضْمَحَلَّتْ عَنْکمُ اَلْعِلَلُ وَ اِسْتَحَقَّتْ بِکمُ اَلْحَقَائِقُ وَ صَدَرَتْ بِکمُ اَلْأُمُورُ مَصَادِرَهَا فَاتَّعِظُوا بِالْعِبَرِ وَ اِعْتَبِرُوا بِالْغِیرِ وَ اِنْتَفِعُوا بِالنُّذُرِ.**

بدانید، این بندگان خدا، که پرهیزگاری سرایی است چون دژی استوار و بزهکاری، سرایی است خوار مایه و نااستوار، که ساکنان خود را از بلا نگه نتواند داشت و هر که بدان پناه برد از آسیب در امان نخواهد بود.

بدانید، که تقوا نیش زهرآگین خطاها را از آدمی دور می‌کند و شما به نیروی یقین به آن هدف عالی توانید رسید.  
ای بندگان خدا، خدا را در نظر آورید، درباره عزیزترین و محبوب‌ترین کسان در نزد شما. خدای تعالی راه حق را برایتان آشکار نموده و روشن ساخته یا به شقاوتی جداناشدنی و درمان‌ناپذیر افتید یا به سعادتی جاودانه خواهید رسید. در این جهان فانی، برای آخرت، که جهان باقی است، توشه برگیرید. شمارا به توشه آخرت راه نموده‌اند و هم فرمان کوچ داده‌اند و بر رفتن تعجیل کنند. و شما همانند کاروانی هستید، منتظر، درراه ایستاده که نمی‌داند که چه وقت به حرکت فرمانش دهند.

به‌راستی، کسی را که برای آخرت آفریده‌شده، با دنیا چه‌کار؟ و چه سود از مال و خواسته، وقتی‌که پس از اندکی می‌ربایندش و او درگرو بازخواست و حساب آن بماند. ای بندگان خدا، آنچه خداوند، از پاداش‌های نیکو، وعده داده، شایان ترک کردن و واگذاشتن نیست و آنچه از آن نهی کرده، از بدی‌ها، شایسته رغبت نباشد. ای بندگان خدا، بترسید از روزی که از اعمالتان بازجست کنند. در آن روز، چنان لرزش و تشویشی بر شما چیره گردد که کودکان از وحشت آن پیر شوند.

بدانید، ای بندگان خدا، شمارا از خود نگهبانانی و از اعضایتان جاسوسانی و حافظانی راستین است، که اعمالتان را می‌نویسند و حتی شماره نفس‌هایتان را ضبط می‌کنند. تاریکی شب‌های ظلمانی شمارا از آنان فرو نپوشد، یا اگر در پشت درهای بسته پنهان گردید از دیده آن‌ها نهان نخواهید ماند. فردا به امروز نزدیک است و امروز هر چه با خود دارد می‌برد و فردا از پی آن می‌آید و به آن می‌رسد. گویی هر یک از شمارا می‌بینم که به سرای تنهایی و گورگاه خود رسیده‌اید. و ای، که چه خانه‌ای تنها و چه منزلی وحشت‌زا و چه غربتی و چه جدایی از همگنان. گویی صیحه قیامت به گوش می‌رسد و ساعت رستاخیز فراز آمده است و شما از گورها بیرون آمده‌اید تا به محکمه عدل الهی حاضر آیید. دیگر آن گفتارهای باطل به کارتان نیاید و، بهانه‌ها زایل شده و حقایق آشکار گردیده و اعمالتان شمارا به آنجا که باید، برده است. پس، ازآنچه مایه عبرت است، موعظت پذیرید و از این‌همه، دگرگونی عبرت گیرید و از هشدارها سود ببرید.

# آثار و برکات ماه رجب

گرچه همه زمان‌ها مخلوق خداست لیکن برخی از آن‌ها از شرافت و ویژگی خاصی برخوردار است. درست است که همه ماه‌های سال، پرتوی از قدرت جهان‌آفرین است; امّا سه ماه رجب، شعبان و رمضان، دارای امتیاز و برجستگی ویژه‌ای هستند. در عصر جاهلیت، مردم ماه رجب را گرامی می‌داشتند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: آگاه باشید که رجب ماه خداست و آن ماه بسیار بزرگی است. این ماه **«اصم»** نامیده شد؛ بدان سبب که هیچ ماهی در فضیلت و حرمت در نزد خدا با او برابری نمی‌کند.

پیامبر خدا (صلی‌الله علیه وآله) می‌فرماید: رجب، «**شهراللّه الأصمّ**» است؛ و بدان سبب آن را «**اصمّ**» نامیدند که هیچ ماهی به پایه عظمت آن نمی‌رسد. مردم زمان جاهلیت به رجب حرمت می‌نهادند و آنگاه‌که اسلام درخشیدن گرفت، بر حرمت آن افزود. بدانید که رجب، ماه خدا شعبان، ماه من و رمضان، ماه امت من است پس هرکس یک روز از رجب را روزه بدارد، مستحق رضوان الهی گردد و روزه‌اش غضب الهی را خاموش کند و خداوند دری از درهای جهنّم را بر او ببندد. اگر کسی به‌اندازه تمام زمین طلا انفاق کند، برتر از روزه یک روز آن نخواهد بود... هرگاه شب شود، دعایش مستجاب خواهد بود، یا در دنیا به او عطا خواهد شد و یا برای آخرت او ذخیره می‌شود.

رجب، ماه عظیمی است که خداوند، اعمال نیک را در آن چند برابر می‌فرماید و گناهان را در آن محو می‌کند. پس هرکس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، به‌اندازه مسیر یک سال از جهنّم دور و هرکس سه روز از آن ماه را روزه بدارد، بهشت بر او واجب می‌شود.

# رعایت نظم و قوانین راهنمایی و رانندگی

### مقررات، قانون، نظم و انضباط اجتماعی و اجرای دقیق آن‌ها در جامعه، ضامن تأمین امنیت، سلامت و رفاه اجتماعی است. بنابراین نظم و انضباط از اولویت‌های اساسی زندگی است که جامعه را قرین آرامش می‌کند بر این اساس قوانین مختلف پایه‌گذاری شده است که رعایت آن به معنای احترام به حقوق دیگران است. اما این موضوع بخصوص درزمینهٔ رانندگی رعایت نمی‌شود، بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی به‌رغم افزایش هزینه جرائم راهنمایی رانندگی باعث شده تا شاهد رعایت نشدن قوانین در خیابان‌ها باشیم.

اگر نظم وجود نداشته باشد به‌طورکلی عمق جامعه را مورد آسیب قرار می‌دهد. بدون شک نادیده گرفتن قوانین این حوزه، نظم اجتماعی را از بین می‌برد. بنابراین این موضوع موجب شده است تا نظم ترافیکی از بین برود و بر این اساس حتی امنیت عابران پیاده نیز تحت تأثیر قرار بگیرد و هرروز حوادثی دل‌خراش به وجود آید.

با توجه به اهمیت این موضوع باید در این زمینه بیشتر سرمایه‌گذاری شود به‌طوری‌که نهادهای فرهنگی باید با برنامه‌ریزی‌های صحیح احقاق حقوق دیگران را آموزش دهند که در این میان نقش صداوسیما و به‌طورکلی رسانه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بنابراین پیشنهاد می‌شود تا برنامه‌های مختلف برای شبکه‌های تلویزیونی تهیه شود و رسانه‌های مکتوب هم می‌توانند با اختصاص دادن قسمتی از صفحه‌های خود مردم را به رعایت انضباط در اجتماع تشویق کنند و بابیان نتایج بی‌نظمی‌ها به‌طور غیرمستقیم مردم را با احقاق حقوق دیگران آشنا کنند.

باید بدانیم که قانون‌هایی که در این حوزه تصویب‌شده است قانون‌های بسیار خوب و آینده‌نگری است این در حالی است که  ریشه بسیاری از حوادث رانندگی ضعف فرهنگی   است که در این حوزه نیز می‌توانیم از آموزه‌های دینی برای  احترام به حقوق دیگران بهره بگیریم. اگرچه در سال‌های اخیر اقدامات خوبی از سوی مسئولان صورت گرفته است ولی همچنان باید رفع مشکلات فرهنگی به‌عنوان یک اولویت مدنظر قرار گیرد.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعز الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین. اللهم انصر الاسلام والمسلمین واخذل الکفر و الکفار والمنافقین اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین و المسلمات الاحیاء منهم والاموات.**

1. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . عنکبوت 45. [↑](#footnote-ref-3)
4. . حل، 90. «به درستی که خداوند امر می‌کند به عدل و نیکی کردن و به عطا کردن به نزدیکان، و نهی می‌کند از کار زشت و ناپسند». [↑](#footnote-ref-4)
5. . طه، 14. [↑](#footnote-ref-5)
6. . والعصر. [↑](#footnote-ref-6)
7. . توبه 119. [↑](#footnote-ref-7)